

أطروحة الفضائيين:

أيداء موجودات فضائية:

وهي أطروحة وضعها الباحث زكريا سيتشن⁽¹⁾ صاحب كتاب (الكوكب الثاني عشر)، وكتاب (إنكي المفقود) وأيده بعض الباحثين بصورة أو بأخرى، وتكلم عن نفس الفكرة تقريباً المهندس الأمريكي موريس شاتيلان⁽²⁾ (Maurice chatelain) مؤلف كتاب (سلفنا الذي جاء من الفضاء).

1. زكريا سيتشن: وهو أمريكي (1920 - 2010 م)، مؤلف كتاب "الكوكب الثاني عشر" المشهور.

2. موريس شاتيلان: وهو مهندس اتصالات أمريكي، كان يعمل في قسم الاتصالات في وكالة ناسا.

فرضية⁽¹⁾ است كه توسط زكريا سيچين⁽¹⁾ پژوهشگر و نويسنده كتابهاى "سياره دوازدهم" و "گمشده انكى" مطرح شده و برخى ديگر از پژوهشگران كمابيش آن را تأييد کرده‌اند. اين فرضيه تقريباً مشابه ايداء موريس چاتلين⁽²⁾ مهندس آمريكايى و نويسنده كتاب "نياكان ما كه از فضا آمدانند" مى‌باشد.

(1)- زكريا سيچين (Zecharia Sitchin) (١٩٢٠ تا ٢٠١٠) نويسنده آمريكايى و مؤلف كتاب معروف "سياره دوازدهم" است.

(2)- موريس چاتلين (Maurice Chatelain) مهندس آمريكايى در رشته مخابرات است كه در واحد ارتباطات آژانس ناسا مشغول به كار بوده‌است.

وضع زكريا سيتشن أطروحته بناءً على معطيات التنقيب الأثرية التي ورد فيها بعض الأمور مثل أن السومريين كانوا يعرفون النظام الشمسي قبل آلاف السنين وأيضاً صور ملوكهم وآلهة الانوناكي التي تظهر فرقا كبيرا بالطول بينهم وبين البشر العاديين، كما أن بعض الألواح الطينية التي ترجمها زكريا سيتشن وبعض الباحثين فسرها زكريا سيتشن على أن هناك كائنات فضائية جاءت إلى الأرض قبل مئات آلاف السنين وأن السومريين رواد الحضارة الإنسانية هم نتاج تلاقح بين تلك الكائنات الفضائية وبين (الهومو إركتس) أو نتيجة التلاعب بجينات الهومو، وبالنتيجة تم انتاج أطفال أنابيب أو ما شابه

لتكون النتيجة هو الإنسان العاقل الذي بنى الحضارة الإنسانية، وكانت البداية في بلاد ما بين النهرين سومر (العراق) ثم تلتها الحضارة المصرية.

زكريا سيچين نظريه خود را بر پایه اطلاعات بدست آمده از كاوش‌های باستانی بنا نهاده است. در این كاوش‌ها به موضوعاتی چند پرداخته شده از جمله اینکه سومری‌ها هزاران سال پیش با منظومه شمسی آشنا و از آن مطلع بوده‌اند. همچنین به تصاویر پادشاهان و خدایگان آنوناکی اشاره شده که درازی قامت آنها با قامت انسان عادی بسیار تفاوت داشته است. زكريا سيچين برخی الواح گلین را که توسط او و گروهی از پژوهش‌گران ترجمه شده است، چنین تفسیر می‌کند که صدها هزار سال پیش، موجودات فضایی به زمین آمده‌اند. وی معتقد است سومری‌ها، پیش‌گامان تمدن انسانی، نتیجه تلاقی این موجودات فضایی با هومو ارکتوس‌ها یا نتیجه دست‌کاری ژن‌های آنها بوده‌است. از این رهگذر، لقاح مصنوعی یا چیزی مشابه آن روی داده و نتیجه آن نیز پدیدار شدن انسان خردمندی است که تمدن انسانی را پایه‌گذاری کرده است. آغاز این ماجرا در سرزمین بین‌النهرین سومر (عراق) بوده، سپس در تمدن مصر ادامه یافته‌است.

ولكن لا توجد معطيات حقيقية يمكن الاعتماد عليها للتوصل إلى أن هذا قد حدث فعلاً، فمثلاً: البطارية الكهربائية التي اخترعها السومريون يقول مؤيدو هذه الأطروحة: إنَّ السومريين ربما كانوا يستخدمون هذه البطارية الكهربائية في الاتصالات، وهذا الكلام يحتاج دليلاً، والأقرب منه أنهم استخدموها في طلاء المعادن أو ما شابه. وعموماً، هذه البطارية لا يوجد ما يبين أين استخدمها السومريون.

نکته مهم اینجا است که هیچ اطلاعات واقعی که با استناد به آن بتوان استنباط کرد چنین چیزی واقعاً روی داده، وجود ندارد. مثلاً طرفداران این نظریه، در مورد باتری‌های الکتریکی که سومری‌ها مخترع آن بوده‌اند،

می‌گویند: احتمالاً سومریان از این انرژی در ارتباطات استفاده می‌کردند. این گفته نیاز به دلیل و مدرک دارد؛ شاید از این باتری‌ها در آبکاری فلزات یا شبیه آن استفاده می‌کردند. بطور کلی دلیلی وجود ندارد که بیان کند سومریان از این باتری‌ها برای چه مقاصدی استفاده می‌کردند.

أيضاً: يستدل مؤيدو هذه الأطروحة برسم السومريين المجموعة الشمسية كاملة بما فيها بلوتو الذي اكتشف عام (1930)، وبحسبهم فهذا يدل على أن السومريين لديهم علوماً ومعارف متقدمة، ولكن الحقيقة إن هذا ليس مؤشراً لوجود كائنات فضائية لا من قريب ولا من بعيد. وبقية الأدلة على هذا النسق مثل: طول أجسام الملوك والآلهة السومرية في الصور.

همچنین، طرفداران این فرضیه با اشاره به اینکه سومری‌ها منظومه شمسی را به طور کامل از جمله همراه با پلوتو که در سال ۱۹۳۰ کشف شد، ترسیم کرده‌اند، می‌گویند این مطلب حاکی از آن است که سومری‌ها از علوم و معارف پیشرفته‌ای بهره‌مند بوده‌اند. البته در واقع هیچ یک از اینها نشانه‌ای از وجود و تأثیرگذاری موجودات فضایی چه در زمان نزدیک و چه در گذشته‌های دور حکایت ندارد. دیگر استدلال‌ها نیز از همین سنخ می‌باشد؛ مانند طول قامت پادشاهان و خدایگان سومری در تصاویر به جا مانده.

وما يهمننا من هذه الأطروحة هو أن وضعها واتكاء بعض الناس عليها لتفسير الحضارة السومرية هو مؤثر واقعي واعتراف واقعي من عدد من الناس بأن هناك قفزة حضارية وثقافية لدى السومريين وتحتاج هذه القفزة إلى تعليل، ولهذا وضع هؤلاء هذه الأطروحة التي لاقت قبولاً من بعض الناس. ولكن تبقى هذه الأطروحة عاجزة عن رد النقد العلمي، فهناك إشكالات حول ترجمة وتفسير سيتشن للنصوص السومرية، وهناك إشكالات علمية حول ما يطرحه سيتشن في الكونيات، إضافة إلى أنها تتعارض مع علم الأحياء التطوري.

آنچه از این نظریه‌پردازی برای ما مهم است، این است که پیدایش تئوری مزبور و نیز با دست‌آویز واقع شدن توسط عده‌ای برای توضیح و توجیه تمدن سومری، دلیلی واقعی و اعترافی حقیقی از سوی برخی مردم است بر اینکه سومری‌ها دارای جهشی در تمدن و فرهنگ بوده‌اند؛ و البته این جهش نیاز به پیدا کردن علت دارد. بر این اساس آنها نظریه‌ی یاد شده را که مورد تأیید برخی افراد نیز واقع گشته، بنیان نهاده‌اند. البته این نظریه در مقابل نقد علمی رنگ می‌بازد، زیرا در خصوص ترجمه و تفسیری که سیچین از متون سومری ارائه نموده، اشکالاتی مطرح است. همچنین درباره‌ی آنچه سیچین درباره‌ی موجودات فضایی بیان داشته نیز ایرادهایی چند وارد شده، علاوه بر اینکه چنین مقوله‌ای با زیست‌شناسی تکاملی نیز ناسازگار می‌باشد.

والظاهر أنّ عالم سبیط النيلي (رحمه الله) تأثر كثيراً بأفكار زكريا سيتشن، وهذا ما نلاحظه في أطروحة حول جلامش السومري وذي القرنين وتفسيره لرحلة جلامش على أنها فضائية، وعموماً هذه النظرية إضافة إلى ما تقدم من عجزها عن الصمود أمام النقد العلمي، فهي أيضاً لا تطرح حقائق علمية قابلة للإثبات بل هي تعتمد على تأويل لنصوص وأحداث ورسوم ولقى أثرية يوجد لها تأويل أفضل وأكثر واقعية وورصانة.

به نظر می‌رسد عالم سبیط نیلی* (خدایش رحمت کند) نیز به شدت تحت تأثیر افکار زکریا سیچین قرار گرفته‌است. ما این تأثیرپذیری را در نظریه‌ای که وی درباره‌ی گیلگمش سومری، ذوالقرنین و تفسیری که از سفر گیلگمش که سفری فضایی بوده به دست داده‌است، مشاهده می‌کنیم. اصولاً این نظریه علاوه بر آنچه پیشتر در مورد سست بودن آن در برابر نقد علمی بیان شد، به بیان واقعیت‌های علمی و قابل اثبات نمی‌پردازد، بلکه بر تأویل متون، رویدادها و نقش‌ونگارهایی که باستان‌شناسان به دست آورده‌اند تکیه

می‌ورزد؛ حال آنکه بر چنین یافته‌هایی می‌توان تأویل‌هایی بهتر، واقعی‌تر و علمی‌تر ارائه نمود.

(*)- آقای سبیط نیلی، دانشمند شیعهء عراقی در دوران معاصر و نویسندهء کتاب "ظهور مهدوی" است. (مترجم)
